**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و پنجاه و ششم\_31 فروردین 1400**

**[مختار در ظنون رجالی]**

در جلسۀ گذشته در مورد حجیت ظنون در مسائل رجالیه، اشارتی به برخی از مبانی شد، ما یکی دو بار، به مبنای مختار خودمان اشاره کرده­اییم در بحث رجال، و آن این است که سخنان رجالیین در تعدیل و توثیق و تضعیف بر یک مبنا نیست، اولا خود رجالیین متفاوت هستند، شیوه­های مختلفی دارند، ثانیا همان یک نفر مثلا نجاشی، نمی توان گفت همۀ تعدیل و توثیق و تضعیفش بر یک مبنا قرار دارد، مثلا نمی توان گفت همۀ توثیقات و تضعیفات نجاشی، از باب شهادت است، و نقل شهادت گذشتگان. و اگر هم در مواردی از باب نقل شهادت گذشتگان باشد، معمولاً سندی ارائه نشده است، فضلا از این که در مواردی در رجال نجاشی مشاهده می کنیم ایشان با توجه به روایات یک فرد، در مورد او حکمی صادر می­کند، در مواردی اختلاف، نظر دارد مثلا با ابن غضائری، این­ها نشان می­دهد کتابهای رجال همگی بر یک منوال و یک محور نوشته نشده است.

مواردی از این ها به نقل از کتاب­های رجالی پیشین است. که بعضا در دست ما نیست، برخی از این سخنان به صورت سینه به سینه به رجالیین ما رسیده است، کما این که نجاشی در مواردی می گوید سمعتُ از استادم که چنین می گفت، مواردی از این تعدیل و توثیق و تضعیف، با تجمیع قرائت و شواهد صورت گرفته، بنابراین ما در علم رجال هم به یک انسداد دیگری در همین محدودۀ علم رجال خواهیم رسید، به جز این­که بیاییم به اطمینان شخصی از راه جمع بین شواهد اکتفا کنیم، به جز این که خود در میدان علم رجال، وارد شویم و با این تراث موجود رجالی، و نیز تراث موجود روایی، و تأمّل در اسانید روایات، و تأمّل در متون روایات یک راوی، و تأمّل در جایگاه یک راوی بین بزرگان شیعه که چه نوع جایگاهی دارند، از مجموعۀ این ها، اطمینانی شخصی پیدا می کنیم. اگر شما نام این اطمینان شخصی را از نظر منطقی ظن هم بگذارید، با توجه به مقدمات انسداد، این ظن مرجعیت پیدا می کند، اگر چه ما نام آن را علم عرفی و عادی گذاشتیم.

این بحث اعتبار و یا عدم اعتبار ظنون رجالی بنابر انسداد.

**[ظنون در مسائل اصولی]**

دیروز اشاره کردم مرحوم شیخ دو مطلب را در این بخش بیان کرده است، یکی مربوط به ظنون رجالی است، دوم مربوط به ظنونی که در مسائل اصولیه به وجود می­آید، آیا از ظنی که حاصل می­شود از یک مسألۀ ظنیۀ اصولیه می توان حکم شرعی را گرفت یا نه؟به عبارت بهتر آیا ظن حاصل شده از یک مسألۀ ظنیۀ اصولیه حجت است یا نه؟ باز به عبارت دیگر آیا می توان با اجرای مقدمات انسداد به حجیت ظن در مسائل اصولیه رسید یا نه؟ شیخ اعظم در این جا نظری دارد، استادشان مرحوم شریف العلماء که شیخ بسیار به ایشان احترام علمی می گذارد، نظر دیگری دارد.

مرحوم شیخ به دنبال این است که اثبات کند ظن در مسائل اصولیۀ عملیه، حجیت دارد، و آن چه نتیجۀ این اصول ظنیه است حکمی ظنی در مسائل فقهیه و فرعیه است و حجت است. ظن در مسائل اصولیه حجت است، در نتیجه آنچه از این ظن به وجود می آید، **من الظن بالحکم الفرعی الواقعی او الظاهری** هم، حجت است، اما بعض مشایخنا که شریف العلماء باشد، از این مطلب منع کرده است، از اینجا به عبد تا اطلاع ثانوی ما در مقام شرح و بسط و توضیح کامل فرمایش شریف العلماء هستیم.

آنچه می تواند برای این بزرگوار مستند قرار بگیرد، دو چیز است. آنچه می تواند منع کند از عمل به ظنون حاصل شده از مسائل اصولیۀ ظنیه دو امر است:

1. **احدهما، اصالة الحرمة و عدم شمول دلیل الانسداد** است.
2. دوم هم که در جلسات آینده ان شاء الله می رسیم، شهرت محققه و اجماع بر عدم حجیت ظن، در مسألۀ اصولیه است.

فعلا بحث ما در وجه اول است، در وجه اول به دنبال این هستیم که اثبات کنیم، از آنجایی که از جهتی اصل اولیۀ ما حرمت عمل به ظنون است، و از جهت دیگر ادلۀ انسداد مسائل اصولیه را نمی گیرد، پس دلیلی نداریم که دست از اصالة الحرمة در تمسک به ظنون نسبت به مسائل اصولیه برداریم.

اگر بخواهیم دلیل انسداد را به نحوی تقریر کنم که در مسائل اصولیه نیز جاری شود، راه­هایی را شریف العلماء پیشنهاد می کند و هۀ این راهها را ناتمام می داند، وجه اول، راه اول برای این که مقدمات انسداد را در اصول هم جاری کنیم این است که بگوییم اساسا همان­گونه که مقدمات انسداد در خصوص فروع جاری است، به همان صورت مقدمات انسداد، در خصوص مسائل اصولیه هم جاری است، یعنی در خود مسائل اصولیه مقدمات انسداد را تطبیق کنیم، چنان که در خود فروع هم در فقه تطبیق می کنیم.

این یک راه.

راه دوم و وجه دوم این است که مقدمات انسداد را، طوری تقریب کنیم که از اول محدودۀ مقدمات انسداد، همۀ احکام شرعیه باشد، چه احکام شرعیۀ فرعیه، چه احکام شرعیۀ اصلیه، **فیثبتُ حجیة الظن فی الجمیع، و یندرجُ فیها المسائل الاصولیه**.

این هم راه دوم.

راه و وجه سوم برای این که از مقدمات انسداد در حجیت ظنون اصولیه هم استفاده کنیم این است که مقدمات انسداد را، در خصوص مسائل فرعیه جاری می کنیم، و از آن استفاده می کنیم که ظن در خصوص فروع، حجیت دارد، ولی می گوییم اگر مسائل فرعیه ظن در آنها حجیت پیدا کرد، ظن در مبانی این مسائل فرعیه که عبارت باشد از مسائل اصولیه نیز حجیت دارد.

شریف العلماء دنبال این است که اثبات کند هر سه راه در ما نحن فیه، قابل قبول نیست، و اصالت الحرمة در عمل به ظنون محقق است. نه می توانیم بگوییم ادلۀ انسداد در خصوص مسائل فرعیه است ولی لازمه­اش، ظن به مسائل اصولیه است، که راه سوم بود، نه می توانیم بگوییم دلیل انسداد همۀ احکام شرعیه، فرعیتا کانت، ام اصلیه را می گیرد، که مسائل اصولیه را هم شامل شود، یعنی راه دوم. این هم از نظر شریف ممنوع است، و نه می توانیم، از ابتدا مقدمات انسداد را در خصوص مسائل اصولیه جاری کنیم، که وجه اول بود، این سه وجه بعضی از آنها اساسا صحیح نیست و بعضی از انها اگر هم صحیح باشد، مفید نخواهد بود، از جملۀ وجوهی که اساساً صحیح نیست، همین وجه اول است که بخواهیم مقدمات انسداد را در خود مسائل اصولیه جاری کنیم. اما چرا صحیح نیست؟ ان شاء الله جلسۀ آینده.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.